

موثریت استیضاح

محمد رضا هویدا

استیضاح وزیر داخله در روز گذشته، در نهایت به قناعت و کلا انجمید و نور الحق علومی به عنوان وزیر امور داخله به کارش ادامه می دهد. بیش از ده سال از عمر پارلمان در حکومت جدید می گذرد. پارلمان که باید بر کار حکومت نظارت کند و در صورت مشاهده کوتاهی و کاستی، از صلاحیت خود استفاده کند و وزرا را به اشتباهات شان آگاه بسازد و اگر نشد، آنها را استعجاب کند و در نهایت استیضاح کند و سر انجام یا به جواپهای وزرا قناعت کند و یا به سوی رای اعتماد بروند، از امکان استعجاب و استیضاح بارها استفاده کرده است.

استیضاح بزرگترین حربه و کلا برای فشار وارد کردن بر کابینه بوده است. استفاده از ابزار استیضاح تا کنون نتوانسته موثریت خود را در بهبودی اوضاع امنیتی نشان دهد. در باقی بخش ها، از جمله بخش های اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی نیز موثریت استیضاح وزرا دیده نشده است.

استیضاح زمانی می تواند کار آمد باشد، که یک پروسه کاملا شفاف را طی کند. بدین معنا که اولاً باید وکلا در همکاری با دولت تمام تلاش خود را برای کمک به وزارت ها در بهبودی اوضاع و فایق آمدن بر مشکلات انجام داده باشند، و ثانیاً با ارایه راه حل ها و تذکراتی به موقع و مفید، وزرا را به وظایف شان آگاه ساخته و آنها را کمک کرده باشند. در نهایت نیز زمانی که یک وزیر یا به صحن پارلمان می گذارد تا جواب یا توضیح بدهد، سوال ها به صورت مشخص پرسیده شوند و جواب نیز مشخص به همان سوال ها باشند. اما اگر در این میان شک و شبهه ای وجود داشته باشد که وکلا از ابزار استعجاب و استیضاح برای فشار وارد کردن بر وزرا و پیشبرد اهداف غیر قانونی استفاده کنند، در این صورت فلسفه وجودی استیضاح از بین می رود.

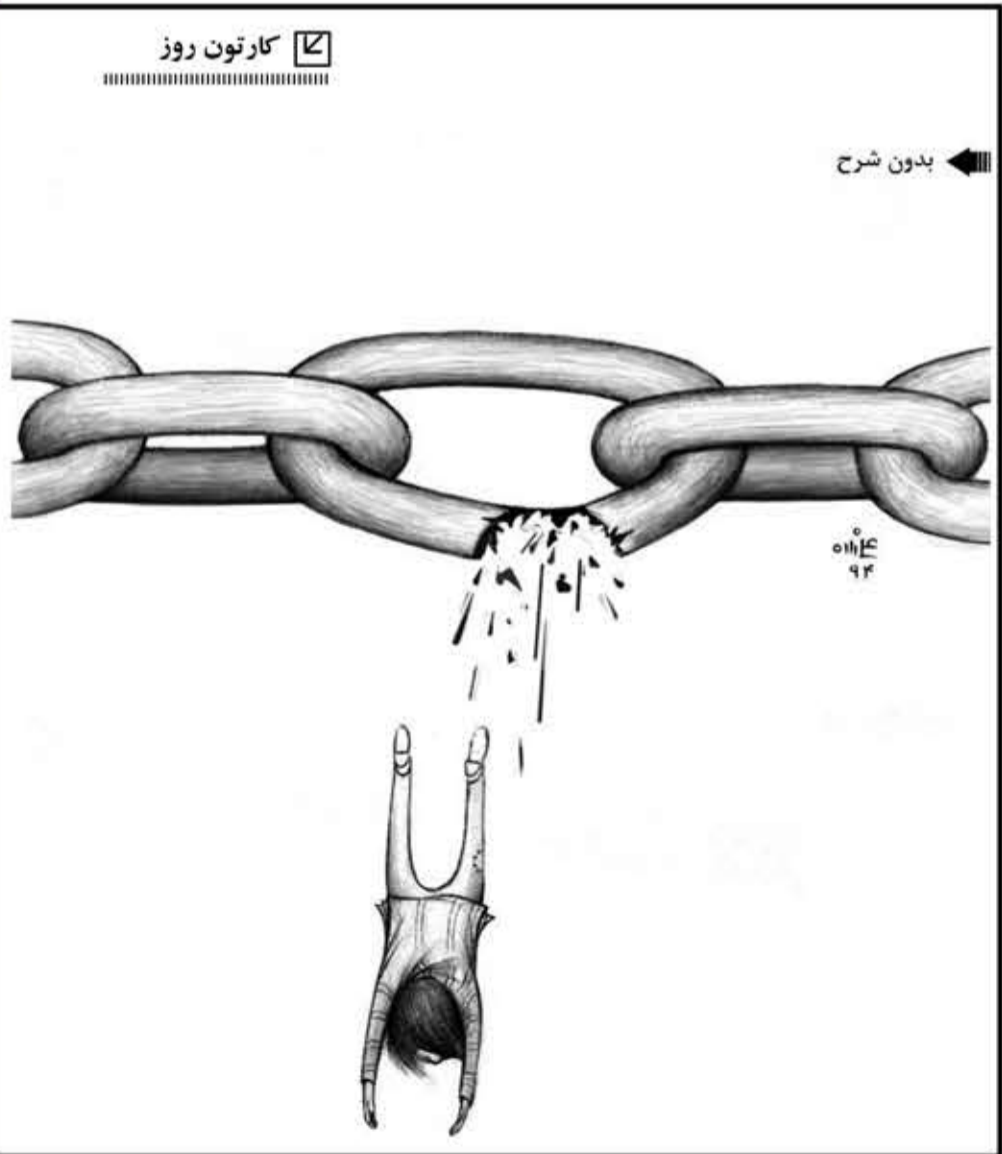
آن گونه که در استیضاح های قبلی گاهی دیده شده که وکلا سؤال هایی را می پرسند و در آخر حتی خود نیز به پاسخ سؤال های شان گوش نمی دهند، و ده ها کاستی و مشکل دیگر، روند استیضاح نه تنها به حل مشکل نمی انجامد، بلکه به حجم مشکل می افزاید. در چنین حالتی استیضاح به یک حربه برای امتیاز گیری بدل می شود. امتیاز گیری برای پیشبرد اهداف غیر قانونی که از سوی عده ای از وکلا طرح شده است. در هر حال، نامنی در افغانستان، در حال گسترش است. این واقعیت سبب شده تا افغانستان هر روز وضعیت بدتر از گذشته را تجربه نماید. دولت افغانستان به طور کل و وزارت های امنیتی به صورت خاص، مسئولیت دارند تا اوضاع امنیتی را سر و سامان دهند و مشکلات موجود را از بین ببرند. وضعیت فعلی امنیتی نیز امر جدیدی نیست و برآمده از شرایط و وقایع سالهای گذشته است. از سوی دیگر، پارلمان بخشی از بدنه دولت به حساب می آید. وکلای شورای ملی به همان اندازه در به وجود آمدن وضعیت موجود مقصر هستند که دیگر مقامات دولتی تقصیر دارند. به عنوان نمونه در تقرر افراد در مناصب نظامی و غیر نظامی در وزارت خانه ها، به طور طبیعی وکلا از جمله کسانی هستند که هم اعمال نفوذ کرده اند و می کنند. بر کسی پوشیده نیست که در توزیع امکانات و بودجه به مناطق مختلف کشور، قبل از هر کسی و نهادهای، وکلا اعمال نفوذ می کنند.

بنابر این استیضاح زمانی موثر است که با هدف اصلاح و بهبود وضعیت باشد. در چنین حالتی استیضاح وزیر داخله در حالی که وزارت دفاع هنوز هم با سرپرست اداره می شود، راه به جایی نمی برد. همین گونه استیضاحی که شک و شبهه معاملات پشت پرده در آن وجود داشته باشد، نیز بر میزان مشکل می افزاید. استیضاح ها و استعجاب ها و رای اعتمادهای مجدد، همه باید شفاف باشند تا بتوانند مشکلات کشور را حل کنند.

رئیس جمهور غنی در پنجمین نشست ملی مشورتی شوراهاى انكشافى روستاهاى افغانستان به روستائیان وعده داد که در چهار سال آینده خدمات یکسان و مناسبی برای زندگی آن ها فراهم خواهد کرد. در دوازده سال گذشته ارائه خدمات و بهبود وضعیت زندگی روستائیان از طریق برنامه همبستگی ملی به پیش برده می شد. تغییر در زندگی روستائیان و ارائه خدمات یکسان برای تمام روستائیان است؟ در نوشتار کنونی با توجه به توانایی های دولت مرکزی، حاکمیت گفتن قومی، مسئولیت گریزی نهاد ها امکان بهبود ارائه خدمات به روستائیان را مورد بررسی قرار می دهم.

زندگی در روستا زمانی اهمیت یافت که چین و برخی دیگر کشور های جنوب شرق آسیا توانست از طریق روستا به دگرگونی دست یابد. اساساً توسعه یافتگی در چین از طریق روستا ممکن گردید. بعد از آن روستا محراق توجه اندیشمندان توسعه یافتگی قرار گرفت. در کشور های جهان سوم، روستا به عنوان یک جغرافیا سوخته و فراموش شده دوباره وارد برنامه ریزی های کلان ملی شد. با وجود مطرح شدن و قرار گرفتن روستا در برنامه های کلان ملی، روستا همچنان خارج از معادله های کلان قرار دارد. داد و ستد میان شهر و روستا غیر عادلانه است. بخش از مهمترین محصولات روستا ها در شهر ها صادر می شود. در عوض، شهر کمتر محصول برای روستا داشت. افغانستان عینی ترین نمونه چنین روابط میان شهر و روستا است. روابط ناعادلانه شکل گرفته است. شکاف عمیق میان این دو مکان جغرافیایی و انسانی وجود دارد. روستا ها در تمام ادوار تاریخی در افغانستان از مناطق سوخته و فراموش شده بوده است. تنها در دوره جدید تلاش شد که تغییر در سطح زندگی روستائیان به وجود آید. این مهم از سوی برنامه همبستگی ملی به پیش برده می شد. با این حال، همبستگی ملی با توجه به بودجه

نتیجه انتخابات پارلمانی ماه جولای سال جاری حیرت انگیز و تعجب آور بود. حزب محافظه کار و اسلام گرای عدالت و توسعه قبلاً به رهبری رجب طیب اردوغان و فعلاً به رهبری احمد داوود اغلو، شکست خورد. حکومت دیرینه ای حزب پایان یافته تلقی گردید. حزب عدالت و توسعه کرسی های لازم جهت تشکیل حکومت را به دست نیاورد و هیچ حزب دیگری حاضر به ائتلاف نبود. حتی برخی از احزاب تشکیل حکومت موقت نیز حاضر به هم کاری نگردیدند. رجب طیب اردوغان برنامه ای درازمدت جهت حکومت در ترکیه دارد. به نظر می رسد که او می خواهد ولادیمیر پوتین ترک ها گردد. از این رهگذر خودش به ریاست جمهوری رسید و در پی این بود که همه پرسى را برگزارد کرده و قانون اساسی را تغییر دهد. تا از این رهگذر صلاحیت ها و اختیارات ریاست جمهوری را افزایش دهد. در عرصه ی سیاست خارجی اردوغان ضامن دنبال کردن رؤیای دیرینه ی ترک ها مبنی بر پیوستن به اتحادیه اروپا



آیا ایجاد دگرگونی در زندگی روستائیان در وضعیت کنونی ممکن است؟

علی قادری



گفتگفت که در اختیار داشتن، قادر به انجام سیاست و برنامه های عادلانه، یکسان و متوازن در تمام روستا های کشور نبوده است. اما و اگر های زیادی از این دست در مورد همبستگی ملی و نقش آن در تغییر زندگی روستائیان مطرح است. در ذیل تلاش می کنم چند نکته در مورد برنامه همبستگی ملی و دولت ضعیف و امکان دگرگونی در زندگی روستائیان در چهار سال آینده سخن بگویم.

اول: در دوازده سال گذشته بودجه هنگفت در اختیار همبستگی ملی قرار گرفت. تا اکنون هیچ آمار و گزارش دقیق از چگونگی مصرف بودجه و دستاوردهای آن وجود ندارد. نبود آمار و ارقام و گزارش های دقیق خود گویایی بر ناکامی این برنامه است. در عین حال، برنامه های که از طریق همبستگی ملی تدوین و اجرا گردیده است، زربنایی و بنیادی نبوده است. به عبارت دیگر، برنامه های همبستگی ملی منجر به تغییر بنیادی در زندگی روستائیان کشور نگردیده است. از این جهت، امکان تغییر زندگی از طریق همبستگی ملی به شکل

کنونی آن ممکن نیست. بنابراین، لازم است که در پالیسی سازی و برنامه ریزی این نهاد بازنگری گردد و در غیر آن امکان هیچ گونه دگرگونی در زندگی روستائیان ممکن نیست.

جداً از این مسئله به خاطر حاکمیت گفتن قومی و قبیله ای عملکرد همبستگی ملی از این جهت نیز زیر سوال رفته است. پروژه های این نهاد ناعادلانه بوده است. در مناطق پیشتون نشین با وجود مشکلات و چالش های امنیتی بیشترین بودجه مصرف شده است اما در مناطق امن کشور به خاطر سکونت گروه های قومی دیگر، کمتر بودجه اختصاص یافته است و همبستگی ملی کمتر در این مناطق حضور داشته است. از این جهت، همبستگی ملی عمل کردن این نهاد نیز دگرگونی به صورت عادلانه و یکسان را در روستا های کشور زیر سوال می برد. بنابراین، در صورت آوردن دگرگونی در زندگی روستائیان کشور لازم است که عملکرد این نهاد مورد نظارت قرار بگیرد و از عملکرد قومی و قبیله ای

بر آیند انتخابات پارلمانی ترکیه

عبدالرحمن فهیمی



اما، بسترها و زمینه های تحقق ایده های اصلی فراهم نیست. از این رهگذر در طول عمر حکومت جدید، حزب عدالت و توسعه می کوشد تا بسترها و زمینه های تحقق ایده های سیاسی کلان فراهم شود، و احزاب دیگر مقاومت خواهد کرد.

سیاست خارجی و سیاست بین الملل در عرصه سیاست خارجی نیز همان سیاست ها و روی کردها ادامه خواهد یافت. دست کم در سه حوزه می شود بحث کرد. سیاست خارجی ترکیه در برابر منطقه ای خاورمیانه، جهان اسلام و شرق، بحران جنگ و بی ثباتی در سوریه و رویارویی با قدرت های منطقه ای و جهانی مانند ایران.

۱. حکومت ترکیه به رهبری حزب عدالت و توسعه، در طول سال های پار، ضمن توجه جدی به روابط سیاسی و اقتصادی اش با جهان غرب، به جهان اسلام، منطقه ای خاورمیانه و شرق توجه ویژه داشته و سیاست های مشخص را دنبال کرده است. هدف ترکیه احیای جایگاه سیاسی خلافت عثمانی در منطقه است. می خواهد به عنوان قدرت مسلط و تعیین کننده در جهان اسلام یا یکی از قدرت های مهم و تاثیرگذار منطقه ای باشد. با شکست حزب عدالت و توسعه در انتخابات ماه جولای تصور می شد که این سیاست و استراتژی ممکن است دنبال نگردد یا دست کم با شدت و حدت

وضعیت سیاسی کشور شان بحرانی و به باتلاق بی ثباتی بیافتد که آن آگاه بیرون شدن و یا کشیدن دشوار خواهد بود. به هر صورت، بی آمدها و برآیندهای پیروزی قاطع حزب عدالت و توسعه در انتخابات ترکیه را در ذیل مرور می کنیم.

سیاست داخلی اردوغان در شرایط نا امید کننده ی سیاسی پس از انتخابات جولای قرار داشت. او که سال ها در این کشور حکومت کرده و ایده ها و آرمان های بلند سیاسی را در سر می پروراند، ناگهان حزب خود را شکست یافته یابید که برای تشکیل حکومت محتاج به دیگر احزاب و جناح های سیاسی ست اما دیگران از این امر خود داری می کنند. تشدید حملات انتحاری و انفجاری تروریست ها در مناطق مرزی و بی علاقه ی احزاب دیگر جهت تشکیل حکومت موقت از رهگذر هم کاری با حزب اردوغان، نگرانی های را خلق کرده بود. پرسش این بود که اگر برای بار دوم انتخابات برگزار شده و نتیجه همین شود که شده است، آن گاه چه خواهد شد؟

ولی این مشکل رفع شد و اکنون حزب عدالت و توسعه به تنهایی تشکیل حکومت می دهد. اما ایده های و آرمان های اردوغان هم چنان باقی مانده است. این بار اگر چند پیروز شده و داوود اغلو حکومت تشکیل می دهد،

دارد، چگونه می تواند تغییری در زندگی روستائیان کشور بیاورد. آیا چهار سال فرصت کافی برای دگرگونی است؟ واقعیت این است که تحول و بهبود وضعیت زندگی روستائیان ممکن و عملی است. اما، با وضع کنونی حکومت وحدت ملی ممکن نیست. تحول پیش از همه چیز ضرورت به نهادی دارد که بتواند ملی عمل نموده و موانع و چالش های ممکن را از سر راه برنامه و سیاست های خود بردارد. وقتی اکنون سیاست روشن در قبال شورشیان وجود ندارد و شورشیان از فقدان سیاست روشن و مشخص حکومت سود می جوید و هر روز قدرتمند تر می شود، امکان اجرایی شدن برنامه ها و سیاست ها نیز ممکن نیست. نگارنده به صورت مشخص، چند مسئله را برای آوردن تحول در زندگی شهروندان افغانستان مهم و اساسی می داند. اولین و اساسی ترین مسئله مشخص شدن نوع برخورد حکومت با شهروندان صلح دوست و آرام کشور در یک طرف و شورشیان در طرف دیگر است. شورشیان باید سرکوب و منکوب شود. مورد تعقیب قرار گیرد و نگذارد که آن ها در اجرایی برنامه ها و سیاست های نهاد های ملی به عنوان سد و مانع عمل نماید. در گام بعدی باید نظارت جدی بر نهاد ها صورت گیرد تا عملکرد آن ها در دور از نگرش های قومی و قبیله ای گردد. در گام بعدی ارزیابی های جدی و اساسی از دستاوردهای پروژه ها صورت گیرد.

بنابراین، آوردن تحول و بهبود وضعیت روستائیان در وضعیت کنونی ممکن نیست. دولت ضعیف قادر به انجام سیاست های خود در سطح روستا های کشور نمی باشد، قومی و قبیله ای عمل کردن نهاد ها موجب ایجاد شکاف میان گروه های اجتماعی گردد. در برخی موارد، برنامه های حکومت مرکزی که از طریق همبستگی ملی صورت می گیرد، تنازعات را در سطح روستا ها افزایش داده است. لازم است که در همه این برنامه ها تحول و دگرگونی جدی به وجود آید.

کتر دنبال شود. اما اکنون با پیروزی این حزب و برگشت قدرتمندانه ی اردوغان و اغلو در میدان سیاست و قدرت ترکیه، این سیاست و استراتژی همچنان با قوت تمام دنبال خواهد شد.

۲. حکومت ترکیه یکی از بازیگران تاثیرگذار منطقه ای در تحولات نظامی و سیاسی مرتبط به عراق و سوریه بوده است. حتی برخی ها در فهرست حامیان گروه داعش در منطقه نام ترکیه را نیز درج می کنند. این کشور در بحران سوریه قوی تر ظاهر شده است. پناهجویان سوری که از صحنه های جنگ فرار می کنند را پناه داد، به صورت جدی خواستار کنار رفتن بشار اسد از قدرت سیاسی است و مخالفین بشار اسد را تقویت و حمایت می کند.

اکنون که این حزب دوباره قدرت را به دست آورده است، در بازی سیاسی مرتبط به بحران سوریه، عراق و گروه تروریستی داعش سهم فعال خواهد گرفت.

۳. رویارویی شدید با ایران ایران و ترکیه رقابت تنگاتنگ را در سطح داشته و با شروع بحران های سوریه و عراق و نیز سر بر آوردن گروه خطرناک داعش، تنش سیاسی را تجربه کرده اند. اردوغان یکبار ایران را به قدرت طلبی و انحصار قدرت در منطقه متهم کرد. در یمن و سوریه دو کشور مشکلات متعدد دارند و عملاً در روی هم قرار گرفته اند. ایران به حمایت از حکومت بشار اسد و نظم سیاسی زخمی موجود اما ترکیه به حمایت از شورشیان که در برابر اسد می جنگند. بنابراین، با دوام حکومت و سيطرة و سیاست های اردوغان و حزب عدالت و توسعه تنش و رویارویی سیاسی میان دو کشور بر سر مسائل منطقه ای حادث خواهد شد.

۴. رقابت با عربستان هدف سیاسی ترکیه سيطرة به جهان اسلام و منطقه است. به عبارت دیگر همان گونه که خلافت عثمانی باز یگر درجه یک و تاثیرگذار در منطقه بوده است، می خواهد حوزه ی نفوذ عثمانی را تحت تسلط در آورد و یکی از قدرت های تاثیرگذار منطقه ای گردد.

فعلاً ترکیه و عربستان متحد شده و با دشمن مشترک شان ایران می جنگند. در سوریه موقف و موضع مشترک و واحد دارند و در یمن نیز ترکیه جانب دار عربستان است. اما به نظر می رسد که در صورت حل بحران سوریه و تأمین ثبات سیاسی در این کشور، رقابت میان ترکیه و عربستان نیز آغاز شده و جدی تر خواهد شد. زیرا ترکیه در پی بسط و گسترش حوزه ی نفوذ اما عربستان در پی حفظ نفوذ خواهند بود.

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت نوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی

کاریکاتورست: خالق علی زاده

دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

روزنامه
افغانستان
The Daily Afghanistan

Outlook
AFGHANISTAN
The Lead of Freedom & Justice